



۲۱ مارچ، ۲۰۱۵

ملالی موسی نظام

جنایتی شرم آور در آستانه تجلیل از سال نو هجرت حضرت

پیغمبر

این حادثه فجیع بنیاد حقوق زن را از ریشه نابود نمود



تبصره: بعد از سپری شدن سه سال از یکی از فجیع ترین جنایات بشری که در پایتخت افغانستان و به اشتراک گروهی وجدان فروخته و دد منش که دختر مظلومی بنام «فرخنده» را با سنگسار و سوختاندن در محضر عام به مرگ کشانیدند، هنوز عدالتی که بشود قناعت اجتماع ویران را فراهم نماید، بر قرار نگردیده است. در حقیقت با صحنه سازی های مجازی، جنایتکاران، مشوقین و حتی قوای پلیس و عسکر نظاره گر چنین صحنه های مهلکی، به تدریج از حلقه بازخواست و قانونیت ناپدید گردیدند. البته صدای رسای زن افغان و حامیان آنان که برای اولین بار میشد که برای برقراری عدالت و تقبیح حادثه، همانطور رسا و عدالت خواه بلند باشد، در گلو خفه گردید.

مضامین این قلم به سلسله آغاز فاجعه غیر انسانی «قتل فرخنده شهید» و حوادث مرتبطة بعدی در همان سال ۲۰۱۵ و حوالی سال نو مسلمانان آغاز یافته است.

زنم که ناله من خفته در گلوی منست زنم که شام سیه صبح آرزوی منست

نادیه انجمن، زنی که سبانه بدست شوهر به قتل رسید

در شب و روزیکه مردم افغانستان برای تجلیل از سال نو هجری شمسی به استقبال از نوروز باستانی، سردی و تاریکی زمستان را پشت سر میگذاشتند، حادثه دلخراش و غیر انسانی ای که از شنیدن آن لرزه بر اندام هر انسان، افغان و مسلمان می افتد، شهر کابل را در خود فرو برد. بلی در همین پایتخت افغانستان که چند ماه قبل با هزار مشکلات مردمش از زن و مرد با رنگ کردن انگشت خواستند به جهانیان نشان دهند که شعور سیاسی و آگاهی به حقوق شان را دقیقاً جنگ ها و بدبختیها به آنان آموخته و حال گوشه هایی از دیموکراسی را با دادن رای تجربه می نمایند، زن مظلومی که گویا با مشکلات روانی سردچار بوده است، در حالت غیرعادی «متهم» به سوختاندن اوراق قرآن مجید میگردد و بدون مداخله قوای امنیتی، بدست گروهی جنایتکار از خدا بیخبر با شرائط غیر بشری ابتداء سيعانه به قتل میرسد و بعد جسدش به آتش سپرده میشود. آفرین به انسان متمدن و قضاوتی که «اجرای» چنین عدالت سخیفانه ای را در قبال داشته است. خبر استخوان سوز بصورت پراکنده چنین نشر شده است:

((مقام های امنیتی در کابل می گویند که مردان خشمگین در مرکز شهر کابل، یک زن را که گفته شده قرآن را آتش زده بود، کشتند و بعد جسدش را سوزاندند.))

شمار زیادی از کاربران فیسبوک که ویدئوهای این حادثه را دیده اند، از کمکاری پلیس شاکی اند. صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله افغانستان به بی بی سی گفت که بخشی از تحقیقاتی که آغاز شده مربوط به عملکرد پلیس در ارتباط با ماجرای کشتن و سوزاندن فرخنده می شود.

تلویزیون های خصوصی در کابل تصاویری از جسد سوزانده شده این زن را منتشر کرده اند. در ساعت نخست این حادثه، صالح محمد، فرمانده یکی از حوزه های امنیتی پایتخت افغانستان به بی بی سی گفت: "این حادثه زمانی روی داد که یک زن، نسخه ای از قرآن را به آتش کشید و ده ها تن از رهگذران با سنگ و چوب به او حمله کردند و او را کشتند." او گفت که پلیس در محل نتوانسته مانع اقدام مردان خشمگین شود. ویدئوهایی از جریان لت و کوب و سپس سوزاندن جسد این زن در شبکه های اجتماعی مخصوصاً فیسبوک به شکل گسترده ای منتشر شد که می شود که پلیس کاری انجام نمی دهد.

یکی از شاهدان عینی محل حادثه به بی بی سی گفت: "آنها «مردم» او را لت و کوب کردند و کشتند بعد جسدش را به رودخانه «بستر خشک رودخانه» انداختند و سوزاندند. آتش نشان ها بعداً آمدند و آتش را خاموش کردند و جسدش را بردند".

تلویزیون طلوع به نقل از خانواده زن کشته شده گفته که نامش فرخنده است و در ۱۶ سال گذشته مشکل روانی داشته است. خانواده این زن به تلویزیون طلوع گفته اند که او قصد سوزاندن قرآن را نداشت.))

این بود شمه ای از چنین جریان اسفباری که در کابل، پایتخت افغانستان با موجودیت بی‌شمار قوای امنیتی و سالها آموزش و تربیت و وظیفه شناسی آنان در حفظ امنیت و پشتیبانی از مظلوم «زنی بی دفاع»، به مقابل مشتی ظالم «ددمنشانی در لباس انسان» ظاهر گردیده بودند، در روز روشن رخ داد! درین جریان یقین است که ده ها مأمور پلیس مسلح منحصراً سیر بین اعمال غیر انسانی و وحشیانه گروه آدم کش وحشی را نظاره مینمودند. اگر عدالتی را انتظار ببریم، اولتر این گدی گک های ترسوی یونیفورم پوش را باید مورد مواخذه و بازخواست قرار داد و بعد به سراغ چهره های شناخته شده ای در کرسی های مختلف دولت افغانستان رفت که آبرو نا دیده، موزه از پا در آورده اند. بلی از باور و انصاف بدور است که از صاحب منصب وزارت داخله تا خانه نمایندگان ملت و مؤظفین پیشبرد امور دولت، اشخاصی که در کرسی های نشان دار و نامداری لم داده اند، تا بحال ندانسته اند که هر عمل سوئی که در اجتماع رخ میدهد، آخرین مرحله عدالت و بازخواست جزای مجرم است که به حکم محکمه با صلاحیت جرم وی تثبیت شود، یعنی که با تعصب و عجله جاهلانۀ شان اجازه درک این ماده قانون را برای

خود ها نداده اند که «برائت حالت اصلی است، مگر اینکه به حکم محکمه با صلاحیت، ضد آن به اثبات مجرم بودن متهم صادر شود.» دردا که زنانی را هم می بینیم که بی خردانه و ظالمانه بر مسند قضاوت تکیه داده و حکم صادر مینمایند. حال میرویم به



سراغ قانون شکنان متعصبی که دست عمال جنایتکار «داعش» را از پشت بسته اند:

((زلمی زابلی، رئیس کمیسیون شکایات مجلس سنای افغانستان، در صفحه فیسبوکش عکس چهره خونین فرخنده را گذاشته و نوشته است: "این همان چهره وحشتناک کسی است که امروز هموطنان ما او را به سزای اعمالش رساندند و ثابت کردند که افغان ها تنها خواهان کشور خود و اسلام هستند. استعمار، ارتداد و جاسوسان را نمی توانند تحمل کنند". آقای زابلی این پست را بعداً حذف کرد.

سیمین حسن زاده، معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، در یک پست مرتبط فیسبوکی نوشته است: "هیچ نیرویی در برابر ایمان راسخ مردم مان تاب مقاومت ندارد. با جان و دل از باورهای دینی مان پاسداری خواهیم نمود." او سپس از آیه ای از قرآن را نوشته که می گوید ما «خدا» خود قرآن را نازل کردیم و از آن حفاظت می کنیم. تلاش بی بی سی برای گفتگو با خانم حسن زاده به نتیجه نرسید.

حشمت استانکزی، که در روزهای گذشته به عنوان سخنگوی پلیس کابل با رسانه ها صحبت می کرد در مورد کشتن و سوزاندن «فرخنده» در فیسبوکش نوشت: "این هم «فرخنده» فکر کرده بود مانند چند تن مرتد دیگر با

این نوع عمل و توهین، تابعیت امریکا و اروپا را به دست می‌آورد اما قبل از رسیدن به هدف، جان خود را از دست داد. به دوستدارانش تسلیت می‌گویم".

حالا آقای استانکزی در صفحه فیسبوکش از مردم پوزش خواسته و گفته که رسانه ها خبر را به گونه دیگری گزارش داده بودند، اما حالا "واقعیت" را میداند ازین موضوع اندوهگین است. کاربری به اسم شرف بغلانی در صفحه فیسبوکش نوشت که در قتل و سوزاندن "زن بی دین" دست داشته است. پلیس حالا این فرد را بازداشت کرده است.

شمار زیادی هم گفته اند که دولت برای حفظ اعتبارش، برای تداوم قانون، جلوگیری از "فرهنگ داعشی" در میان مردم، باید با عاملین این رویداد جدی برخورد کند.))

درین ماجرای آسف بار اولتر وظیفه پلیس بود که فوراً و به کمک همکاران دیگر، از آغاز عمل و عکس العمل وظیفه با درایت و استعمال فیر های هوایی مردم را متفرق نموده و مجروح را از چنگ ددمنشان «نجات» می داد، در حالیکه بیشمار عکسها نشان میدهد که اقدام پلیس سرسری و غیر مسئولانه بوده و گویا ضاربین- قاتلین و مضروب را بحال شان رها نموده و به سیر بینان پیوسته اند.

حال که جنایتی چنین مردسالارانه و دور از شرافت و اخلاق انسان متمدن، مسلمان و افغان متعهد به اصول و قانون رخ داده است که حتی در شورای امنیت ملل متحد از آن با افسوس و ناباوری یاد گردیده است، دولت افغانستان، مخصوصاً قسمت اجرایی آن وظیفه عمال درگیر درین سلاخی بیشمارانه انسانی را به جزای اعمال ناروای آنان برساند. بلی، پسندیده خواهد بود که با پیروی از حکم اعدام جنایتکاران حادثه قرغه، این متعصبینی را که چشم انصافشان را شاید اعمال سخیف آدم کشان «داعش و طالب» کور نموده است، به مجازات مشابه محکوم نموده و در حضور مردم به مرحله اجرا قرار دهد.

البته هر روز با شهادت مردم، عکاسی های گوناگون و افشای حقایق درین قضیه غیر انسانی مدش، حقایق تلخی در زمینه این ماجرای استخوان سوز افشاء و بر ملا می گردد که با ناباوری و افسوس، لکه های بیدادگری و ظلم دائمی را بر زن مظلوم افغان که صدایش را گوش شنوایی نمی شنود و عدالتی برای وی میسر نمی گردد، به اثبات میرساند.

این بود جریان فاجعه درد آوری از پایتخت افغانستان که روبروی مسجد و زیارت با عظمت «شاه دوشمشیره ولی» که ارزش تاریخی دارد و هزاران مراسم مذهبی و مجالس فاتحه با اشتراک صد ها هزار هموطن در اعصار مختلفه در صحن آن صورت گرفته، دور از کرامت انسانی و اخلاق پسندیده بشری و اسلامی و افغانی واقع شده است. تا بحال هیچ اثباتی و تصویری از سوختاندن اوراق قران عظیم الشان در دسترس نیست که بتواند که علت اقدام به این جنایت فجیع را برای مردم بیان نماید.....جنایتی که با کور مغزی و قضاوت جاهلانه زن ستیزی، با بیرحمی عصر بربریت سازمان دهی گردید و دردا که اولیای امور وابسته به فیس بوک ها و مطبوعات هم دست از پا دراز تر درین فاجعه غیر انسانی حصه گرفتند. با وقوع چنین حوادث شرم آور و عکس العمل های دور از کرامت انسانی، چگونه باید از نرووز و سال نو به خوشی استقبال نمود و با توانمندی از آغاز ورق دیگری از هجرت پیامبر اسلام به پیش رفت.

نوت: راپور های مختلفه از بی بی سی و مطبوعات گوناگون افغانی اقتباس گردیده است.